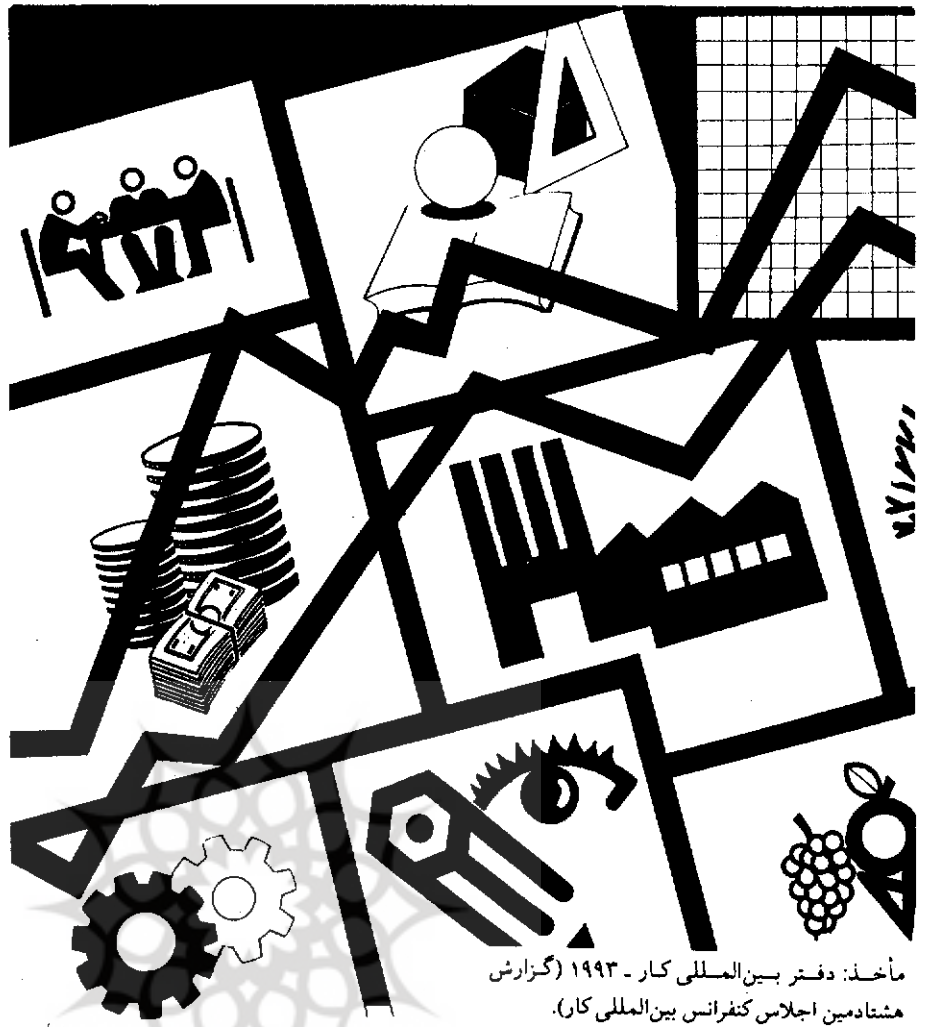


کشورهای آلمان، بلژیک، کانادا، آمریکا، فرانسه و ژاپن قرار دارند که این نسبت در این کشورها بین ۱۰ تا ۲۰ درصد می‌باشد. کشورهای استرالیا، زلاندنو، نروژ، سوئد، دانمارک، هلند و انگلستان جزو آخرین گروهی هستند که نسبت کارگران پاره وقت در آنجا بیش از ۲۰ درصد است. دو رقم خیلی بالا مربوط به کشورهای نروژ با ۲۶ درصد و هلند با بیش از ۳۳ درصد، یعنی یک سوم تعداد کل کارگران، می‌باشد.

از سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۰، سهم کار پاره وقت در اشتغال کل، در تمام کشورهای صنعتی دارای اقتصاد بازار، به استثنای یونان، پرتغال و سوئد، افزایش یافته است. این نرخ در استرالیا، فرانسه، زلاندنو و انگلستان بسیار بالا بوده است (از ۴ تا ۷ درصد اشتغال کل). در کشور هلند که درصد کارگران پاره وقت در اشتغال کل از ۱۶ به ۳۳ درصد رسیده، این افزایش آشکارتر است.

ارقام موجود در جدول شماره (۲) در مورد جامعه اروپا نشان می‌دهد که از سال ۱۹۸۳ تا ۱۹۸۸، در غالب کشورهای عضو این جامعه، افزایش مشاغل پاره وقت خیلی بیشتر از مشاغل تمام وقت بوده است. این تحول، بویژه در کشورهای هلند، ایرلند، فرانسه و بلژیک، چشمگیرتر است؛ این افزایش برای ده عضو جامعه اروپا حدود ۲۸ درصد در برابر ۲/۴ درصد برای مشاغل تمام وقت در همان دوره بوده است. گسترش این نوع کار در فرانسه، بلژیک و ایرلند منجر به کاهش مشاغل تمام وقت گردیده. یونان تنها کشور عضو جامعه اروپاست که در آنجا سهم کار پاره وقت در اشتغال کل، بین سالهای (۸۸-۱۹۸۳)، کاهش یافته است.



مأخذ: دفتر بین‌المللی کار - ۱۹۹۳ (گزارش هشتادمین اجلاس کنفرانس بین‌المللی کار).

## کار پاره وقت

### تحول کار پاره وقت در کشورهای غیر از کشورهای صنعتی دارای اقتصاد بازار

ارزیابی دامنه و تحول کار پاره وقت در این کشورها به دلیل کمبود داده‌های آماری در این زمینه دشوار است. چنین کمبودی نشان‌دهنده این واقعیت است که در تعدادی از کشورهای خارج از سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، کار پاره وقت بعنوان نوعی کار رایج تلقی نشده است.

در کشورهای دارای اقتصاد برنامه‌ای اروپای شرقی و مرکزی، اشتغال تمام وقت همراه با سیستم "مزد اجتماعی" از چنان جایگاه والایی در بازار کار برخوردار است که هیچ جایی برای کار پاره وقت باقی نمی‌ماند. علاوه بر این، از دیرباز نرخ فعالیت زنان در این کشورها نسبت به

شامل اسپانیا، یونان، ایتالیا و پرتغال این نسبت بسیار پایین است یعنی کمتر از ۶ درصد اشتغال کل. گروه بعد شامل کشورهای اتریش، فنلاند، ایرلند و لوکزامبورگ است که این نسبت در آنجا نیز بین ۶ تا ۱۰ درصد متغیر است. در گروه سوم

### دامنه کار پاره وقت در کشورهای صنعتی دارای اقتصاد بازار

آنگونه که در جدول شماره (۱) نشان داده شده، نسبت کارگران پاره وقت برحسب کشورها بسیار متفاوت است. در یک گروه از این کشورها

قسمت دوم

در قسمت اول این مقاله ابتدا تعریف کار پاره وقت برحسب کشورهای مختلف، نظر کارگران و کارفرمایان در این خصوص، ساعات کار پاره وقت و همچنین دامنه این شیوه کار عنوان شد، اینک ادامه مطالب از نظر شما خواهد گذشت.

کشورهای دارای اقتصاد بازار به اندازه‌ای بالا بوده است که از تعداد نیروهای فعال جدید که آرزوی کار پاره وقت را داشتند، کاسته شده است. در برخی از کشورهای دارای اقتصاد برنامه‌ای، مادرانی که کودکان خردسال دارند، بویژه در صورت دسترسی نداشتن به شیرخوارگاه و مهدکودک، و بازنشستگان و مملولان در انجام کار پاره وقت در اولویت قرار دارند.

از این پس، تغییر اوضاع در این کشورها بقدری سریع است که تشخیص جهت‌گیری کار پاره وقت در آنجا بسیار دشوار است. بنظر می‌رسد که کارگرانی که شغل ثابت دارند نمی‌توانند به جهت وضعیت اقتصادی‌شان کمتر کار کنند. با این همه، ممکن است که سهم این نوع کار، بخصوص در مراکز بزرگ شهری، رو به

**در فیلیپین تعداد کارکنان دولت که کمتر از ۴۰ ساعت در هفته کار می‌کنند از ۴۵ هزار نفر در سال ۱۹۸۷ به ۵۵ هزار نفر در سال ۱۹۹۰ افزایش یافته است.**

**هلند شاهد افزایش زنان کارگر پاره‌وقت در سالهای اخیر بوده است.**

افزایش باشد. با بروز پدیده‌های خاصی که با توسعه کار پاره وقت در کشورهای دیگر همراه است، مثلاً با طولانی‌تر کردن ساعات گشایش فروشگاهها در شهرهای بزرگ و تسریع در خصوصی‌سازی خدمات که با گذار به اقتصاد بازار سریعاً گسترش می‌یابد، این فرضیه تأیید شده است.

از سال ۱۹۸۵، در کشورهای آمریکای لاتین سعی در منطف‌تر ساختن قراردادهای کار می‌شد. در این چشم‌انداز، کار موقت و کار پاره وقت، بعنوان روشهای خاصی برای کاهش مشکل بیکاری شناخته شده‌اند که توسل به آنها به دلایل مرتبط با رکود اقتصادی و اخیراً نیز تحت تأثیر برنامه‌های تعدیل ساختاری، افزایش یافته است. هرچند که درخصوص دامنه و علل توسعه کار پاره وقت در کشورهای آمریکای لاتین اطلاعات دقیق و کاملی در دست نیست، اما می‌توان فرضیه‌ای را مطرح کرد که این نوع کار در برخی مناطق به سطحی قابل مقایسه با سطح بعضی کشورهای اروپای غربی رسیده است. با توجه به تحقیقی که اخیراً توسط مؤسسه بین‌المللی مطالعات اجتماعی صورت گرفته، علت گسترش کار موقت و کار پاره وقت در کشور پرو نسبت به آرژانتین، ناشی از تعدادی عوامل از جمله تعیین حد برای پرداخت حق بیمه‌های تأمین اجتماعی در این کشور می‌باشد.

نتایج تحقیقی درباره انعطاف‌پذیری کار که در چارچوب برنامه جهانی اشتغال سازمان بین‌المللی کار در مالزی انجام شده است، نشان می‌دهد که نسبت کارگران پاره وقت، کارگرانی که معمولاً کمتر از سی ساعت در هفته کار می‌کنند، در مشاغل صنعتی بسیار پایین است؛ فقط ۵ درصد از مؤسسات صنعتی اعلام کرده‌اند که به این روش متوسل شده‌اند و تعداد کمی از آنان تغییری را در این زمینه، طی سالهای ۹۰-۱۹۸۸، پیش‌بینی می‌کردند. جایگاه پایین کار پاره وقت در مالزی هنوز نیز با این امر توجیه می‌شود که کارگران بایستی معمولاً بیش از ۴۸ ساعت در هفته کار کنند، میزانی که بنابر استانداردهای بین‌المللی زیاد است. کار پاره وقت در این کشور، حداقل در صنعت، یک پدیده جنبی است.

در عوض، در فیلیپین، تعداد کارمندان دولت که کمتر از ۴۰ ساعت در هفته کار می‌کنند، از ۴۵ هزار نفر در سال ۱۹۸۷ به ۵۵ هزار نفر در سال ۱۹۹۰ رسیده است، آنچه که گویای گسترش کار پاره وقت در بخش دولتی است.

در تونس، اخیراً قانون خاصی درباره کار پاره وقت در بخش دولتی به تصویب رسیده که نشان

جدول شماره ۱- اهمیت و ترکیب کار پاره وقت (برحسب درصد) بین سالهای ۱۹۹۰-۱۹۷۹

کشور	نسبت کارگران پاره وقت در اشتغال کل		
	۱۹۹۰	۱۹۸۳	۱۹۷۹
آلمان	۱۳/۲ <sup>۱</sup>	۱۲/۶	۱۱/۴
استرالیا	۲۱/۳	۱۷/۵	۱۵/۶
اتریش	۸/۸ <sup>۲</sup>	۸/۴	۷/۶
بلژیک	۱۰/۳ <sup>۳</sup>	۸/۱	۶/۰
کانادا	۱۵/۴	۱۵/۴	۱۲/۵
دانمارک	۲۳/۷ <sup>۱</sup>	۲۳/۸	۲۲/۷
اسپانیا	۴/۸ <sup>۲</sup>	-	-
آمریکا	۱۶/۸	۱۸/۲	۱۶/۴
فنلاند	۷/۲	۸/۴	۶/۷
فرانسه	۲/۰	۹/۷	۸/۲
یونان	۵/۵ <sup>۱</sup>	۶/۵	-
ایرلند	۸/۱ <sup>۱</sup>	۶/۶	۵/۱
ایتالیا	۵/۷ <sup>۲</sup>	۴/۶	۵/۳
ژاپن	۱۷/۶ <sup>۲</sup>	۱۶/۲	۱۵/۴
لوزان بورگ	۶/۵ <sup>۱</sup>	۶/۴	۵/۸
ژلاندنو	۲۰/۱	۱۵/۳	۱۳/۹
نروژ	۲۶/۶	۲۹/۰	۲۵/۳
هلند	۳۳/۲	۲۱/۴	۱۶/۶
پرتغال	۵/۹ <sup>۲</sup>	-	۷/۸
انگلستان	۲۱/۸ <sup>۲</sup>	۱۹/۴	۱۶/۴
سوئد	۲۳/۲	۲۴/۸	۲۳/۶

۱- داده‌های آماری سال ۱۹۸۸ ۲- داده‌های آماری سال ۱۹۸۹

می‌دهد این نوع کار در این کشور جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است.

## در تمامی کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، تمایل زیادی به افزایش کار پاره‌وقت مردان مشاهده می‌شود.

### زنان و کار پاره وقت

زنان بیشتر از مردان بطور پاره وقت کار می‌کنند و این یکی از ویژگیهای اساسی این نوع کار است. برای بیان این پدیده با اعداد و ارقام، روشهای زیادی وجود دارد. یکی از این روشها عبارت است از محاسبه تعداد زنان در کل جمعیت کارگران پاره وقت؛ روش دیگر برآورد نسبت کارگران زن است که بطور پاره وقت کار می‌کنند، و سومین روش، هنگامی که داده‌های آماری وجود دارد، محاسبه نسبت زنان کارگر پاره وقت در کل جمعیت کارگران صرفنظر از گروه جنسی آنهاست.

در سال ۱۹۹۰، نسبت زنان در کل جمعیت کارگران پاره وقت کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی بین ۹۰ درصد در بلژیک و آلمان و حدود ۶۵ درصد در ایتالیا، یونان و آمریکا متفاوت بود. به عبارت دیگر، نسبت زنان در کل جمعیت کارگران پاره وقت کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی از دوسوم تا نهم متغیر است.

با این همه، نخستین نشانه‌های کاهش در این خصوص طی دهه گذشته پدیدار شد. این کاهش در هلند، نروژ، سوئد و انگلستان چند درجه بیش نبود، اما در دانمارک و لوکزامبورگ به بیش از ۷

درصد رسید. برعکس، افزایشی در حدود سه درجه در ژاپن و ایتالیا، طی همان دوره، به ثبت رسیده است.

در مورد نسبت کارگران زن که بطور پاره وقت کار می‌کنند نیز تفاوت زیادی بین کشورها به چشم می‌خورد. این نسبت در سال ۱۹۹۰ در نخستین گروه از پنج کشور عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (اسپانیا، فنلاند، یونان، ایتالیا و پرتغال) حدود ۱۰ درصد و در دومین گروه از شش کشور عضو این سازمان (استرالیا، دانمارک، نروژ، هلند، انگلستان و سوئد) بیش از ۴۰ درصد بود. در این شش کشور، کار پاره وقت حداقل برای زنان به ندرت بعنوان کار غیراستاندارد تلقی شده است. با وجود این، این نسبت برای سه کشور شمال اروپا کاهش داشته و در سال ۱۹۹۰ فقط در سه کشور دیگر از همین گروه (استرالیا، هلند و انگلستان) افزایش داشته است. این افزایش بخصوص در هلند بیشتر بوده، زیرا نسبت زنان کارگر پاره وقت از ۴۴ درصد در سال ۱۹۷۹ به حدود ۶۲ درصد در سال ۱۹۹۰ رسیده است، یعنی بالاترین نرخ در بین کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی. بیشترین کاهش در نروژ به ثبت رسیده زیرا میزان آن از ۵۱ درصد در سال ۱۹۷۹ و پس

از رسیدن به ۶۳ درصد در سال ۱۹۸۳ به ۴۸ درصد در سال ۱۹۹۰ کاهش یافته است.

درخصوص نسبت زنان کارگر پاره وقت نسبت به کل مزدبگیران، دو گرایش تشخیص داده می‌شود: در نخستین گروه از کشورها، شامل کشورهای شمال اروپا و آمریکا، این نسبت طی سالهای ۸۳-۱۹۸۲ به اوج منحنی رسید و سپس اندکی کاهش یافت. در گروه دوم (کشورهای استرالیا، اتریش، بلژیک، فرانسه، ایرلند، ژاپن، زلاندنو و انگلستان)، افزایش این نسبت همچنان ادامه دارد.

جدول شماره (۳) برفراری یک تناسب جالب توجه میان سهم کل اشتغال پاره وقت (زنان و مردان) و نسبت زنان در اشتغال کل کشورهای صنعتی را میسر می‌سازد. از سال ۱۹۷۳ تا ۱۹۸۹ نسبت زنان در نیروی کار، در مجموعه کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، از ۴۸/۲ درصد به ۶۰ درصد رسیده است. بطور کلی، در سال ۱۹۸۹، پایین‌ترین نرخ کار زنان و کار پاره‌وقت در همین کشورها، بویژه در اسپانیا، یونان و ایتالیا، بدست آمد. در گروه دیگری از کشورها شامل دانمارک، نروژ و سوئد، نرخ نسبتاً بالای فعالیت زنان مدتی است با نرخ بالای کار پاره وقت قرین شده است. در عوض، در فنلاند که اشتغال پاره وقت زیاد گسترش پیدا نکرده اما نرخ فعالیت زنان بالاست، این شیوه اجرا نمی‌شود. هلند نیز مورد خاصی در این زمینه است. در این کشور، هرچند که افزایش سریع کار پاره وقت از ۱۶/۶ درصد به

بیش از ۳۳ درصد اشتغال کل، طی سالهای ۱۹۷۹ و ۱۹۸۹-۹۰، با نرخ نسبتاً پایین فعالیت زنان توأم بوده است، ولی به هر حال از ۳۳ درصد در سال ۱۹۷۹ به ۵۲ درصد در سال ۱۹۸۹ افزایش یافته است. نرخ متوسط کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در این زمینه ۵۳ درصد بوده است.

از جدول شماره (۳) می‌توان نتیجه گرفت که در بعضی از کشورها میان نرخ فعالیت زنان و دامنه کار پاره وقت تناسب و همبستگی وجود دارد. با این حال، این تناسب بسیار ضعیف است و افزایش فعالیت زنان در دهه‌های گذشته، کاملاً با افزایش دامنه کار پاره وقت در همان دوره محاسبه نمی‌شود.

جدول شماره ۲: تحول تدریجی مشاغل تمام وقت و پاره وقت (برحسب درصد) در فاصله سالهای ۱۹۸۳-۱۹۸۸

کشور	کار تمام وقت	کار پاره وقت
آلمان	+۴/۶	+۱۱/۴
بلژیک	-۰/۵	+۳۶/۱
دانمارک	+۱۴/۸	+۱۲/۸
فرانسه	-۱/۶	+۳۶/۶
یونان	+۹/۷	-۱۰/۷
ایرلند	-۲/۸	+۳۹/۲
ایتالیا	+۰/۲	+۲۵/۵
لوکزامبورگ	+۷/۶	+۹/۲
هلند	+۶/۵	+۶۸/۲
انگلستان	+۳/۸	+۲۶/۱
ده کشور اروپا	+۲/۴	+۲۷/۷

منبع: کمیسیون جوامع اروپایی



جدول شماره ۳- درصد کارگران پاره وقت (مرد و زن) و نرخ فعالیت زنان

کشور	درصد کارگران پاره وقت (مرد و زن)	نرخ فعالیت زنان
آلمان	۱۳/۲ <sup>۱</sup>	۵۲/۵ <sup>۲</sup>
اسفرالیا	۲۱/۳	۶۲/۱
اتریش	۸/۸ <sup>۲</sup>	۵۵/۷
بلژیک	۱۰/۲ <sup>۲</sup>	۵۱/۶ <sup>۲</sup>
کانادا	۱۵/۴	۶۹/۱
دانمارک	۲۳/۷ <sup>۱</sup>	۷۷/۳ <sup>۲</sup>
اسپانیا	۴/۸ <sup>۲</sup>	۳۳/۳
ایالات متحد	۱۶/۹	۶۸/۱
فنلاند	۷/۲	۷۲/۹
فرانسه	۱۲/۰	۵۶/۴
یونان	۵/۵ <sup>۱</sup>	۴۴/۳ <sup>۲</sup>
ایرلند	۸/۱ <sup>۱</sup>	۳۷/۵ <sup>۲</sup>
ایتالیا	۵/۷ <sup>۲</sup>	۴۲/۷
ژاپن	۱۷/۶ <sup>۲</sup>	۶۰/۳
لوکزامبورگ	۶/۵	۴۹/۶ <sup>۲</sup>
نروژ	۲۶/۱	۷۱/۲
زلاتندو	۲۰/۱	۶۰/۷ <sup>۲</sup>
هلند	۳۳/۲	۵۲/۰ <sup>۲</sup>
پرتغال	۵/۹ <sup>۲</sup>	۶۱/۰
انگلستان	۲۱/۸	۶۷/۴
سوئد	۲۳/۲	۸۱/۵

۱- داده‌های آماری سال ۱۹۸۸ ۲- داده‌های آماری سال ۱۹۸۹.

### مردان و کار پاره وقت

نسبت کل مردانی که بطور پاره وقت کار می‌کنند با نسبت زنان در همان کار، نسبت معکوس است و در مجموع کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی به استثنای ایتالیا و ژاپن این نسبت رو به افزایش است. این میزان یک حداقل ۱۰ درصد در آلمان و بلژیک، و یک حداکثر ۳۰ تا ۳۵ درصد در آمریکا، یونان و ایتالیا را شامل می‌شود.

درصد مردانی که بطور پاره وقت کار می‌کنند در میان کشورهای مختلف عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی تا حد زیادی متفاوت است. در نخستین دسته از کشورهای صنعتی شامل آلمان، اتریش، بلژیک، اسپانیا و

لوکزامبورگ، این نسبت تقریباً ۲ درصد است. در دومین گروه از این کشورها شامل کانادا، دانمارک، ژاپن، نروژ و زلاند نو این میزان بسیار بالاتر است، یعنی حدود ۸ درصد. بالاترین رقم به ترتیب ۱۰ و حدود ۱۶ درصد به آمریکا و هلند تعلق دارد.

تقریباً در تمام کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، تمایل زیادی به افزایش کار پاره وقت مردان مشاهده می‌شود. البته این گرایش از سال ۱۹۸۳ تا ۱۹۹۰ در چهار کشور عضو سازمان یعنی بلژیک، آمریکا، فنلاند و یونان کاهش یافته، بطوری که میزان آن از ۱۵ درصد در سال ۱۹۷۹ به ۸/۵ درصد در سال ۱۹۹۰ رسیده است. در صورتی که در انگلستان

در همین دوره افزایش از میزان ۲ درصد به ۵ درصد بوده و بالاخره، بالاترین میزان مربوط به هلند است که این نسبت در آنجا از ۵/۵ درصد به تقریباً ۱۶ درصد رسیده است. هرچند که زنان همچنان اکثریت عظیم کارگران پاره وقت را تشکیل می‌دهند، اما افزایش کار پاره وقت در این سه کشور بوضوح نزد مردان بیشتر از آن در نزد زنان بوده است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که گرچه زنان در کار پاره وقت جایگاه تعیین کننده‌ای دارند، اما در بیشتر کشورهای صنعتی مردان بیشتر جذب کار پاره وقت می‌شوند. با وجود این، تفاوت آشکاری در ترکیب کارگران پاره وقت مرد و زن، بویژه براساس توزیع گروه‌های سنی وجود دارد.

### توزیع کارگران پاره وقت برحسب گروه‌های سنی

بررسی آماری درباره توزیع کارگران پاره وقت

کارگاههای بزرگ بیشتر فراهم است. کار در مؤسسات بزرگ ایمن تر از کارگاههای کوچک است. از این رو کارگاههای کوچک اغلب با کمبود نیروی کار مواجه اند.

۳- از عوامل مهم دیگری که موجب کمبود نیروی کار در کارگاههای کوچک می شود تغییر در اخلاق کار در نسل های جدید است و مسؤولیت این امر را متوجه والدین می دانند که فرزندان خود را هرچه بیشتر تشویق به طی مراحل تحصیل می کنند تا در آینده بتوانند به مشاغل پر درآمدتر، کم زحمت تر و با خطرهای کمتر دست یابند. این پدیده نیز اختصاص به کشورهای پیشرفته ندارد و در کشورهای در حال توسعه نیز به علت ترویج این روحیه در بین والدین و تشویق فرزندان به تحصیل هرچه بیشتر، کم و بیش دیده می شود. در کشور ما نیز ملاحظه می شود که افراد پس از طی مراحل تحصیلی تا دیپلم متوسطه، کمتر حاضر به پذیرش مشاغل در واحدهای کوچک اقتصادی می شوند.

۴- با توجه به تحولات ذکر شده در اخلاق کار و خواسته های نسل های نوه ملاحظه می شود که همواره یک جریان مهاجرت نیروی کار از کشورهای کمتر توسعه یافته به سوی کشورهای توسعه یافته تر برای پرکردن مشاغل ساده در واحدهای کوچک اقتصادی وجود دارد، بویژه اگر سطح دستمزدها در کشورهای پیشرفته در حد بالاتری قرار گرفته باشد. در حقیقت، می توان گفت که در آینده بازار کار جنبه های بین المللی تری نسبت به گذشته پیدا خواهد کرد.

۵- برای جبران کمبود نیروی کار به شیوه های مختلف متوسل شده اند. از جمله بکارگیری هر چه بیشتر زنان و نیروی کار سالخورده و استفاده بیشتر از روشهای سرمایه بر و تکنولوژی بر در فرایند کار و مانند آن و یا افزایش بهره وری. در این زمینه نیز قابل ذکر است که در پاره ای از فعالیتهای مؤسسات کوچک، ظرفیت استفاده از تکنولوژی به علت ماهیت مشاغل موجود محدود است. از طرف دیگر، به همین علت امکان بکارگیری زنان بجای نیروی کار مرد نیز با محدودیتهایی مواجه است. مشاغل گوناگونی وجود دارد که زنان تمایلی به پرداختن آن ندارند و یا انجام آن بعمل گوناگون توسط نیروی کار زنان با دشواریهایی توأم است.

جذب نیروی کار زن و افزایش نرخ مشارکت آن نیز متضمن هزینه های اضافی از جمله تأمین مهد کودک و مانند آن است که برای پاره ای از مؤسسات کوچک و متوسط بسادگی قابل پرداخت نیست.

جدول شماره ۲- توزیع کارگران پاره وقت (زن و مرد) برحسب گروه های سنی در جامعه مشترک اروپا ۱۹۸۹ (درصد مجموع کارگران پاره وقت).

گروه سنی	مردان	زنان
۱۴-۲۴ سال	۵/۳	۹/۸
۲۵-۴۹ سال	۶/۱	۵۳/۰
۵۰-۶۴ سال	۳/۶	۱۷/۸
۶۵ سال و بیشتر	۲/۶	۱/۸
جمع کل	۱۷/۶	۸۲/۴

منبع: سازمان آمار اروپا: بررسی نیروی کار



- در سال ۱۹۹۰، نسبت زنان در کل جمعیت کارگران پاره وقت کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی بین ۹۰ درصد در بلژیک و آلمان و حدود ۶۵ درصد در ایتالیا، یونان و آمریکا متفاوت بود.

اگر این چنین تصور شود که گروه سنی ۲۵-۴۹ ساله به دوره ای از زندگی شغلی تعلق دارد که در این دوره کارگران زیادی جذب بازار کار می شوند، تعداد مردان متعلق به این گروه سنی و شاغل بطور پاره وقت، تقریباً پایین است. ارقام نسبتاً بالای گروه سنی ۲۴-۱۴ سال گواه بر اهمیت کار پاره وقت نزد جوانان است.

در جامعه مشترک اروپا، تنها اختلافات رقمی مرتبط با میانگین توزیع کارگران پاره وقت (زن و مرد) برحسب گروه های سنی در هلند و دانمارک به ثبت رسیده است که به ترتیب ۲۵ و ۳۰ درصد کارگران پاره وقت این دو کشور در گروه سنی ۲۴-۱۴ سال قرار دارند. این ارقام مبین بخشی از سیاست رسمی مبتنی بر عرضه قرارداد کار پاره وقت، بویژه در بخش دولتی، به جوانان است. برعکس، در آلمان، این گروه سنی فقط شامل اندکی کمتر از ۵ درصد کارگران پاره وقت می شوند. اختلاف رقمی دیگر در بلژیک و هلند ملاحظه می شود که در آنجا نسبت کارگران پاره وقت بالای ۵۰ سال، کمتر از حد متوسط است.

برحسب گروه های سنی، نشان دهنده علاقمندی به دانستن تعداد کارگران پاره وقت در بین مردان و زنان است. جدول شماره (۴) توزیع کارگران پاره وقت (زن و مرد) را بنا بر گروه های سنی در جامعه مشترک اروپا طی سال ۱۹۸۹، نشان می دهد.

در جدول مزبور بوضوح نشان داده شده است که اکثریت زنانی که بطور پاره وقت کار می کنند جزو گروه سنی ۲۵-۴۹ سال هستند و به دوره ای از زندگی تعلق دارند که مسئولیت خانوادگی در آن بسیار بالاست. این تحلیل مؤید این امر است که دو کشور آلمان و بلژیک از جامعه مشترک اروپا که در آنجا زنان بالاترین درصد را در مجموع جمعیت کارگران پاره وقت دارند، در عین حال دو کشوری هستند که در آنجا این گروه سنی اکثریت کارگران پاره وقت را تشکیل می دهند (به ترتیب ۶۸ درصد در آلمان و ۷۳ درصد در بلژیک). علاوه بر آن، نسبت زنان متأهل متعلق به این گروه سنی و شاغل بطور پاره وقت در این کشورها بسیار بالاست. در مقابل،